

تصمیمت را خوب بجو

شرایط ندارید!

هر چند که دلایل ناکامی شما می‌توانند متنوع باشند، اما آیا به این فکر کرده‌اید که هنگام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درباره اهدافتان، به اثرات حاصل از تصمیم، به صورت جامع و مانع، اندیشیده‌اید یا نه؟ آیا از کارایی و اثربخش بودن تصمیمی که گرفته‌اید اطمینان داشتید؟

برای روشن شدن ذهنتان به یک رویداد واقعی اشاره می‌کنم. در دوران چیرگی استکبار انگلیس بر کشور هند، در شهر دهلی، تعداد مارهای کبرایی که از قدرت کشندگی بالایی برخوردارند، به اندازه‌ای زیاد شده بود که دولت مرکزی را بر آن داشت برای غلبه بر این موضوع دست به دامن شهروندان هندی شود. دولت‌مردان بر این باور بودند که گردآوری این حجم از مارهای

ممکن است شما هم از زمره افرادی باشید که تصمیمی را گرفته‌اید و بعد از مدتی دنبال دستاورد دلخواهتان هستید. اما بعد از مدتی متوجه می‌شوید نه تنها خواسته شما برآورده نشده است، بلکه نتایج غیرقابل انتظاری گریبان شما را گرفته‌اند و بر اثر آن، صدمات غیرقابل پیش‌بینی و جدی مالی یا روانی به شما وارد شده‌اند.

برای مثال سعی کرده‌اید در دوره متوسطه دوم، با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از منابع درسی و کمک‌درسی مناسب، خود را برای موفقیت در آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌های کشور آماده کنید و در رشته و دانشگاه مورد نظرتان پذیرش شوید، یا تمام تلاش خود را صرف تمرین‌های سخت و فشرده رشته ورزشی مورد علاقه خود کرده‌اید تا بتوانید در مقام یک ورزشکار حرفه‌ای، به مقامی جهانی در خور سعی و کوششتان نائل شوید. اما در نهایت، آنچه مد نظرتان بوده تحقق نیافته و تنها انبوهی هزینه، ناراحتی و شکست نصیب شما شده است و دست و پا زندنتان هم چیزی را تغییر نمی‌دهد. دیدگاه شما این بوده است که با انتخاب این‌گونه تصمیم‌ها و اجرایی کردن آن‌ها به مرادتان خواهید رسید، اما اکنون در شرایطی قرار گرفته‌اید که حال و روز خوبی ندارید و در آزمون سراسری یا تبدیل شدن به یک ورزشکار حرفه‌ای شکست خورده‌اید و با صرف زمان و هزینه فراوان دچار تألمات روحی فراوان شده‌اید و هیچ راهکاری هم برای بیرون رفتن از این



تنها چیزی که به ذهنمان می‌رسد این بود که
آن‌ها را به کاری مشغول کنیم!



و دولت در پرداخت وجوه نقدی با مشکل مواجه شده بود. دلیل این موضوع این بود که تعداد بی‌شماری از ساکنان فقیر و تهی‌دست دهلی، برای دریافت وجه نقد از دولت و استفاده از آن برای گذران زندگی، به پرورش و تکثیر مار کبرا پرداخته بودند و بعد از کشتن آن‌ها، مبلغ تعیین شده را از دولت مرکزی دریافت می‌کردند.

دولت که متوجه شده بود در چه تنگنایی قرار گرفته است، طرح مربوطه را متوقف و اعلام کرد از این پس به هیچ فردی بابت تحویل مار کبرا مرده مبلغی پرداخت نخواهد کرد. افرادی که دست به پرورش و نگهداری از مارها می‌زدند، با شنیدن این خبر، تمامی مارهایی را که در اختیار داشتند، در شهر رها کردند. شرایط به سمتی رفت که تعداد مارها از زمان آغاز طرح پیشنهادی هم به مراتب بیشتر شد. به این ترتیب، دولت مرکزی به بحرانی جدی و خطرناک در این زمینه دچار شد.

نظریه‌پردازان مدیریت با کنکاش درباره این رویداد به این نتیجه رسیدند که هرگاه فرد یا مدیر، درباره موضوعی، بدون لحاظ کردن پیشامدها و رویدادهایی که ممکن است مشکلات پیش‌رو را بیشتر کنند، تصمیمی بگیرد، دچار خطای کبرا یا اثر کبرا شده است.

به همین دلیل، به شما هنرجویان پیشنهاد می‌شود، چنانچه در آینده نزدیک مایل به ایجاد یک کارگاه تولیدی یا شرکت خدمات‌رسانی در حوزه‌ای هستید، متوجه جایگاه اثر کبرا در تصمیم‌هایتان باشید و در زمان تصمیم‌گیری تنها بدیهی‌ترین نتایج حاصل از تصمیم‌گیری‌تان را لحاظ نکنید، بلکه عواقب و پیامدهای منفی ناشی از آن را هم مد نظر داشته باشید تا به این ترتیب حداقل دچار آسیب‌ها و صدمات جدی نشوید.

کبرا که در جای‌جای شهر رخنه کرده بودند، نیازمند تعداد زیادی نیروی انسانی است که در توان دولت مرکزی نیست. به همین دلیل، با تصویب طرحی در هیئت دولت، بر آن شدند تا از طریق اهالی و ساکنان شهر دهلی مارهای سمی کبرا را جمع‌آوری کنند.

طرح به این صورت بود که هر شهروند، به‌ازای هر مار کبرا برای مرده، مبلغی دریافت می‌کرد. در ماه‌های آغازین طرح همه‌چیز خوب پیش می‌رفت و روز به روز از تعداد مارها کاسته می‌شد. اما در ماه‌های آتی، روز به روز به تعداد مارهای مرده اضافه می‌شد.

